با این رژیم جنایتکار هیچ جای آشتی نیست!

داریوش فروهر و پروانه اسکندری به شکلی فجیع به قتل رسیدند. دشنه سردی که سینه شان را درید، بار دیگر با بیرحمی این واقعیت را به ذهن همگان فرو برد که: با این رژیم جنایتکار هیچ جای آشتی نیست.

وای بحال آنها که به صحنه سازیهای «جامعه مدنی» امید ببندند!

ننگ بر آنها که به هر شکل مددکار این صحنه سازی ها شوند!

این جنایت هشداری است به تمامی مبارزان و مخالفان این رژیم که هیچگونه خوشخیالی نسبت به اعتدال و آشتی جوئی حکومتیان جایز نیست. جلادان تیغ سرکوب را همچنان بر کف دارند.

قربانیان این جنایت، انقلابی نبودند؛ خیال سرنگونی قهرآمیز جمهوری اسلامی را در سر نداشتند؛ اما از افشای جوانبی از بیدادگری ها و بیعدالتی های رژیم دست بر نمی داشتند و خواست جدائی دین از دولت که یکی از خواسته های محقانه مردم است را اعلام می کردند. تلاش هائی که آنها برای ایجاد تماس و رابطه بین نیروهای خطه کردستان با حرکت عمومی ضد رژیمی انجام می دادند برای رژیم قابل تحمل نبود و خشم حاکمان را باعث شد. از نظر جمهوری اسلامی، آنان از خط قرمز عبور کرده بودند. رژیم با این قبیل جنایات می خواهد ضعف و استیصال خویش را پنهان کرده و مانع از آن شود که جریانات و روشنفکران مخالف از فرصت ها برای پیشبرد خواسته های بر حق شان استفاده کنند.

مردم آگاه به درستی خون قربانیان را بر عمامه و عبای تمامی سران جمهوری اسلامی می بینند. بازیهای مسخره امثال خاتمی و دستگاه های تبلیغاتی رژیم تنها خشم و انزجار عمومی را فزونی می بخشد. این جنایت یک نظام ضد مردمی است؛ این کارکرد و وظیفه منطقی و بی چون و چرای یک دولت ارتجاعی است؛ این تنها راه بقای یک جمع غارتگر و نوکر قدرتهای جهانی است که هر یک در حفظ رژیم نقش مخصوص به خود را بازی می کند. تنها راه خلاصی از شر این جنایات، سرنگون کردن این بساط جهنمی، نابود کردن این دولت، و مجازات مرتجعین نابکار به دست توده های ستمدیده ای است که سلاح خویش را برای روز انتقام تیز می کنند.

مرگ بر جمهوری اسلامی!

زنده باد انقلاب!

اتحادیه کمونیستهای ایران (سربداران)

۲۳ نوامبر ۱۹۹۸